

مطالعات قرآنی، سال چهارم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۹۲، صص ۱۲۵-۱۴۶

نگرشی به معاد جسمانی در قرآن کریم و عهد جدید

اکبر فایدئی*

تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۱/۹/۱۴

چکیده

پیروان ادیان آسمانی همگی معتقد به زندگی بعد از مرگ بوده، و آن را یکی از اساسی‌ترین مسائل مذهبی به شمار می‌آورند. عموم پیامبران همراه دعوت به توحید، از معاد و حیات پس از مرگ نیز سخن گفته، و ایمان به جهان آخرت را سرلوحه برنامه خود قرار داده‌اند. معاد و سرنوشت نهایی جهان بشریت از آموزه‌های مهم، حیاتی و مشترک ادیان آسمانی است که از رهاورد تطبیق آن، دستاوردهای عظیم فکری و کاربردی نصیب آدمیان می‌شود. از این رو نوشتار حاضر بر آن است که معاد را در بستر تفکر اسلامی و مسیحی، به صورت تطبیقی مورد کاوش قرار دهد که معاد جسمانی و روحانی، تلازم نفس و بدن، و ثواب و عقاب، محور موضوعات مورد بحث آن را تشکیل می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، عهد جدید، معاد، نفس، بدن.

مقدمه

در بین ادیان توحیدی اسلام و مسیحیت به‌طور گسترده‌ای به طرح مسئله معاد، زندگی پس از مرگ، فلاح و رستگاری، و حیات جاودان پرداخته و جزئیات آن را برای پیروان خود تشریح کرده‌اند.

آموزه‌های دینی مسلمانان و مسیحیان درباره جزئیات زندگی اخروی، شباهت‌های فراوانی دارد؛ با این حال در این پژوهش ضمن بررسی تعلیم این دو آیین الهی، در زمینه برخی مسائل مهم بحث معاد از قبیل ماهیت مرگ، عالم برزخ، چگونگی رستاخیز عمومی، ثواب و عقاب، سعی شده است که به این سؤالات پاسخ داده شود: آیا در قیامت فقط نفس محشور می‌شود؟ یا نفس به همراه بدن محشور خواهد شد؟ آیا معاد جسمانی است یا روحانی، در صورت جسمانی بودن آیا بدن اخروی عین همان بدن طبیعی است که انسان در این جهان با آن زندگی می‌کند، یا بدن اخروی لطیف‌تر و فاقد ماده است؟ معادشناسی اسلامی و مسیحی چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند؟ آیا معاد قرآنی سابقه در عهد جدید داشته است یا نه؟ و آیا همان معاد مسیحیت را تصدیق کرده است یا چیز متفاوتی را در قیاس با آن بیان کرده است؟

مطالبی که در برخی از مقالات و پایان‌نامه‌ها در این زمینه نگارش یافته است، صاحب این مقاله را به اهمیت این مطالعه تطبیقی رهنمون شده است. از جمله اینکه برخی از محققان محترم، ضمن پرداختن به مفاهیم مرگ، برزخ و رستاخیز از دیدگاه قرآن و عهدین، با استناد به متنی از انجیل به جسمانی بودن معاد از منظر قرآن و عهدین اشاره‌گذاری کرده (کلهر، ۱۳۸۴)، و یا مراد از معاد جسمانی در قرآن و حدیث را با هدف رفع اختلافات فلسفی و کلامی پیرامون این موضوع تبیین کرده‌اند (سیاوشی، ۱۳۷۷).

برخی ضمن بررسی معاد جسمانی در قرآن و عهدین، اعتقاد به معاد جسمانی و روحانی را با اندکی اختلاف به تمامی ادیان آسمانی نسبت داده (عبداللهی، ۱۳۸۶)، و برخی دیگر به آیات مربوط به معاد و بررسی دیدگاه آلوسی و علامه طباطبایی پرداخته‌اند (سیمرغی زنوزی، ۱۳۸۹). در نوشتار حاضر، معاد جسمانی با استناد به قرآن و عهد جدید به‌طور مفصل تبیین شده، و در جهت روشن شدن مطلب، از تألیفات فلاسفه و متکلمان نیز استفاده شده است. مزیت این مقاله نسبت

به آثار قبلی جنبه عقلی و فلسفی دادن به بحث معاد جسمانی، و ذکر آیات قرآن و فقرات عهد جدید به صورت مفصل و دقیق است.

از اسناد و شواهد موجود در عهدین چنین برمی آید که اعتقاد به معاد، از مسلمات ادیان الهی و اهل کتاب است و ظاهر عبارات با معاد جسمانی سازگار است.

اهمیت و ضرورت معاد

«معاد» امری ضروری و غیر قابل انفکاک از جهان آفرینش است؛ چراکه خدا عالم خلقت و انسان را هدفدار آفریده است؛ همچنان که قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا قَوْلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ
التَّارِ﴾ (ص/۲۷)

«ما آسمان و زمین و آنچه را که در میان آن‌ها قرار دارد، بیهوده نیافریدیم. چنین اندیشه‌ای مربوط به کسانی است که کفر ورزیده‌اند. پس وای بر گروه کافران از آتش.»

لذا زندگی موقت انسان باید هدفی در مسیر کمال داشته باشد، نه اینکه با مرگ بدن به کلی نابود شده و به پوچی گراید. عدل الهی اقتضا می‌کند که بعد از مرگ، روز حساب و کتاب باشد و نیکوکاران به پاداش اخروی و بدکاران به کیفر گناهان خود برسند.

مسئله معاد یکی از اصول اساسی دین اسلام است؛ و خداوند در ۱۴۰۰ آیه از قرآن کریم آن را از جهات گوناگون تبیین کرده (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۳: ۴۴)، و در دوازده آیه قرین اصل توحید قرار داده است

﴿يَوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ (آل عمران/۱۱۴)

«به خدا و روز واپسین ایمان می‌آورند»

که بیانگر اهمیت فوق‌العاده مسئله معاد است (مطهری، ۱۳۷۴: ۵۰۱).

صدها آیه در قرآن کریم با معاد و زندگی ابدی انسان ارتباط داشته، و در مورد ابعاد مختلف قیامت مثل لزوم ایمان به آخرت، پیامدهای انکار مسئله قیامت، نعمت‌های ابدی، عذاب‌های

جاودانی، رابطه اعمال نیک و بد با نتایج اخروی آن‌ها، بحث کرده است؛ و بر امکان و ضرورت رستاخیز به شیوه‌های گوناگونی تأکید نموده و به شبهات منکران پاسخ داده است؛ چنان‌که فراموشی و انکار روز قیامت را منشأ همه تبهکاری‌ها و کج‌روی‌ها معرفی می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۱۱).

در کتاب عهد جدید مسیحیان هم در مورد مرگ، عالم برزخ، رستاخیز عمومی، بهشت و جهنم، جاودانگی نفس و مغایرت آن با بدن جسمانی، کیفیت حشر و نشر و معاد، سخن به میان آمده است؛ به طوری که اعتقاد مسیحیان به معاد و زندگی پس از مرگ در تعالیم اساسی کتاب مقدس و به تصریح پَولس و دیگر رسولان جزء اصول اعتقادی مسیحیت محسوب می‌شود. (انجیل متی، ۲۲: ۳۲-۲۵؛ ۵۲: انجیل مرقس، ۹: ۴۳-۴۹؛ انجیل یوحنا، ۵: ۲۷-۲۰؛ ۱۹۹؛ اول قرن‌تین، ۱۵: ۲۳-۱۳؛ ۳۶۴ و ۳۶۵).

دلایل اثبات معاد

مسلمانان با استناد به آیات شریفه قرآن کریم در مقام اثبات معاد، دلایل متعددی از جمله برهان حکمت و غایت (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۹-۲۸۴؛ مؤمنون/۱۱۵؛ ص/۲۷؛ دخان/۳۸)، برهان عدالت (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۹-۲۹۶؛ ص/۲۷؛ جائیه/۱-۲۰؛ سجده/۱۸؛ انبیاء/۴۷؛ قلم/۳۵ و ۳۶؛ یونس/۴)، برهان رحمت (طباطبایی، ۱۹۷۴، ج ۳: ۳۱ و ۳۰ / آل عمران/۹؛ ق/۳۲-۳۱؛ انبیاء/۱۰۴) آورده و بیش‌تر روی موضوع امکان عقلی معاد تکیه می‌کنند؛ چراکه منکران غالباً آن را محال می‌پنداشتند، و معتقد بودند که «معاد جسمانی» مستلزم بازگشت اجساد پوسیده و از بین رفته به زندگی نوین است و آن امکان‌پذیر نیست.

قرآن در این مقام گاهی زندگی نخستین را در نظر انسان مجسم کرده، و آفرینش نخستین جهانیان را دلیلی بر اثبات قیامت قرار می‌دهد؛ و در عبارتی کوتاه و روشن می‌گوید:

﴿كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ﴾ (اعراف/۲۹)

«همان‌گونه که شما را ابتدا آفرید باز می‌گردید».

یا به پدیده‌های مشابه معاد مانند رویش گیاهان و احیای زمین مرده (طباطبایی، ۱۹۷۴، ج ۱۸: ۳۴۱؛ دیوانی، ۱۳۷۶: ۸-۲۷۷؛ ق/۱۱-۹؛ روم/۵۰؛ زخرف/۱۱)، خواب اصحاب کهف (کهف/۲۱)،

نگرشی به معاد جسمانی در قرآن کریم و عهد جدید/ ۱۲۹

زنده شدن حیوانات (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۳: ۱۰-۱۶۶/ شریعتی سبزواری، ۱۳۸۰: ۲۷۰-۲۶۹؛ بقره/ ۲۶۰)، زنده شدن بعضی از انسان‌ها در همین جهان (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۳: ۴-۱۷۱؛ شریعتی سبزواری، ۱۳۸۰: ۹۶۹؛ دیوانی، ۱۳۷۶: ۲۷۸؛ آل عمران/ ۴۹؛ بقره/ ۶۷-۷۳)، اشاره می‌کند، و گاهی مسئله قدرت خداوند را در آفرینش آسمان‌ها و زمین مطرح کرده و می‌گوید: خداوندی که آسمان‌ها و زمین را آفرید و خاک بی جان را تبدیل به نطفه و انسان کرد، قادر است که مردگان را زنده کند (طباطبایی، ۱۹۷۴، ج ۱۸: ۲۱۷؛ مطهری، ۱۳۷۴: ۵۳۰-۵۲۵؛ احقاف/ ۳۳).
عاص بن وائل از اهالی مکه قطعه استخوان پوسیده انسانی را پیدا کرده، نزد پیغمبر اکرم (ص) آمد و گفت چه کسی این استخوان‌های پوسیده را زنده می‌کند؟ آیه نازل شد: «ای پیامبر بگو زنده می‌کند آن‌ها را همان خدایی که اول بار آفرید و او بر هر آفرینشی دانا است» (یس/ ۷۸ و ۷۹).

در عهد جدید موارد ذکر معاد با قرآن قابل مقایسه نیست. با این حال فقرات متعددی از این مجموعه به مسئله معاد و حیات پس از مرگ اشاره دارند؛ (انجیل متی، ۲۵: ۴۶-۴۱؛ انجیل لوقا، ۱۶: ۳۱-۱۹؛ انجیل یوحنا، ۱۱: ۲۴-۲۱) تا آنجا که از حضرت عیسی (ع) نقل شده است که با یهودیان منکر معاد بحث می‌کند و برای اثبات معاد به تورات استناد می‌جوید (انجیل متی، ۲۲: ۳۲-۳۳).

ماهیت مرگ

در قرآن مجید آیات زیادی در مورد مرگ نازل شده، که حتمیت و کیفیت مرگ را به گونه‌ای خاص بیان می‌کند (انبیاء/ ۳۵؛ نساء/ ۷۸؛ جمعه/ ۸؛ آل عمران/ ۱۸۵؛ عنکبوت/ ۵۷). هر انسانی طعم مرگ را خواهد چشید و اجلی که در نظر گرفته شده است قابل تغییر و تأخیر نیست (نساء/ ۷۸؛ جمعه/ ۸):

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾ (اعراف/ ۳۴)

«و برای هر قومی اجل معینی است که چون فرا رسد لحظه‌ای مقدم و مؤخر نتوانند کرد».

در برخی از آیات قرآن قبض روح انسان گاهی به خدا (دیوانی، ۱۳۷۶: ۳-۱۲۲؛ زمر/۴۲)، و گاهی به ملک الموت (دیوانی، ۱۳۷۶: ۳-۱۲۲؛ سجده/۱۱)، و یا به ملائکه (نحل/۲۸) نسبت داده شده است. قبض روح و جان دادن برای مؤمنان برخوردار از عمل صالح نه تنها سختی و ناراحتی در پی ندارد بلکه توأم با خشنودی و لذت است؛ اما برای کافران و گناهکاران بر حسب مراتب گناه و عصیان شان، سختی‌های ناگوار و هراس‌انگیزی در بردارد (دیوانی، ۱۳۷۶: ۸-۱۲۷؛ نحل/۳۲؛ انفال/۵۰؛ فجر/۳۰-۲۷؛ انعام/۴۴؛ محمد/۲۷)؛ اما در آیین مسیحیت در این خصوص مطلبی ذکر نشده است.

«مرگ» از منظر قرآن امری وجودی، و انتقال و عبور از جهانی به جهان دیگر است. انسان با مرگ نابود نمی‌شود؛ بلکه روح از تن قطع علاقه کرده و از عالمی به عالم دیگر و از خانه‌ای به خانه دیگر منتقل می‌شود. از این رو در بسیاری از آیات قرآن از «مرگ» تعبیر به «توفی» شده که به معنای چیزی را به طور کامل دریافت کردن، بازگرفتن، و دریافت روح از تن، به وسیله خدا یا فرشتگان است (ص/۱۲۰؛ نساء/۹۷؛ انعام/۶۱؛ محمد/۲۷؛ سجده/۱۱؛ نحل/۲۸؛ انفال/۵۰؛ زمر/۴۲).

روایات شریفه منقول از معصومان (ع) نیز مرگ را به انتقال از سرای فانی به سرای ابدی، و رسیدن نیکوکاران به حیات اخروی جاودان و بهشت و نعمت‌های همیشگی آن، و گرفتار شدن گناهکاران در جهنم و عذاب و هول و ترس تفسیر کرده است (مجلسی، ۱۴۱۲، ج ۳۷: ۲۷۰).

در آیین مسیحیت مرگ به دو صورت جسمانی و روحانی است، که در عهد جدید مستقیماً به آن اشاره شده است (انجیل متی، ۱۰: ۲۸، ص ۹۰۴؛ انجیل لوقا، ۱۲: ۵-۴، ص ۹۸۲). مسیحیان علت مرگ را خطا و گناه می‌دانند، و معتقدند که همه انسان‌ها طعم مرگ را خواهند چشید، اما زمان آن پوشیده است و فقط خداوند زمان وقوع آن را می‌داند. در «عهد جدید» در مورد خروج روح از بدن و چگونگی آن مطالب زیادی نیامده است. بر اساس کتاب «عهد جدید» انسان‌ها پس از مرگ به عالم اموات می‌روند (انجیل لوقا، ۱۶: ۲۳؛ مکاشفه یوحنا، ۱: ۱۸ و ۸ و ۲۰: ۱۳ و ۱۴) که گاهی از آن به «نزد ابراهیم رفتن» (انجیل لوقا، ۱۶: ۲۲؛ اعمال رسولان، ۲: ۲۷) تعبیر شده است.

پس می‌توان نتیجه گرفت که از منظر مسیحیت، مرگ نابودی نیست بلکه انتقال است و شخصیت واقعی انسان تا ابد خواهد زیست. مرگ برای مسیحی، عبارت از شکستن حصارهای فنا برای پیوستن به خداوند و آغاز زندگی باشکوه و کامل‌تر موعود است (انجیل متی، ۲۲: ۳۱ - ۳۲؛ انجیل لوقا، ۱۶: ۳۱-۱۹؛ اشعیا، ۱۴: ۹).

در رابطه با حیات جاودانی مؤمنان در جهان آخرت، در برخی از آیات انجیل متی و یوحنا، مطالبی آمده است که در تمام این آیات، خداوند وعده حیات جاودانی در بهشت را به مؤمنان داده است (انجیل متی، ۱۹: ۱۷-۱۶ و ۲۹: ۴۵ / انجیل یوحنا، ۴: ۱۴: ۱۹۵)؛ و در رابطه با عذاب و عقاب بدکاران در انجیل متی سخن رفته است (انجیل متی، ۲۵: ۴۶-۳۱).

عیسی (ع) می‌گوید: «برای شما چه فایده‌ای دارد اگر تمام دنیا را داشته باشید، ولی زندگی جاوید را از دست بدهید» (انجیل متی، ۱۶: ۲۶، ص ۳۸)، «هر کس که به خاطر من، خانه و برادران و خواهران و پدر و مادر و کودکان و زمین خود را ترک کرده باشد، صد برابر آن اجر خواهد گرفت و زندگی ابدی را بدست خواهد آورد» (انجیل متی، ۲۹: ۱۹، ص ۴۵)، «و هر کس از آن آبی که من به او خواهم داد بخورد تشنه نخواهد شد بلکه آن آب که من به او خواهم داد، چشمه آبی در میانش خواهد بود که تا به زندگانی جاودانی برسد.» (انجیل یوحنا، ۴: ۱۴، ص ۱۹۵).

حیات پس از مرگ

اسلام درباره عالم آخرت به صورت آشکار و مفصل سخن گفته، و ایمان به آن را شرط مسلمانی دانسته است. در قرآن کریم صدها آیه وجود دارد که به برزخ و روز قیامت و کیفیت قیام مردگان و میزان و حساب و ضبط اعمال و بهشت و جهنم و جاودانگی عالم آخرت مربوط است؛ ولی در دوازده آیه، رسماً پس از ایمان به «خدا» از «ایمان به روز آخرت» یاد شده است (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۳: ۴۴؛ قربانی لاهیجی، ۱۳۷۵: ۹۶). بر اساس تفکر اسلامی، سعادت انسان در دنیا و آخرت بستگی به «ایمان» او به عالم آخرت دارد. ایمان به آخرت، انسان را متوجه نتیجه و عکس‌العمل اعمالش می‌سازد و به زندگی دنیوی او جهت می‌بخشد، تا به حیات سعادت‌آمیز

اخروی برسد. از این رو قرآن کریم ایمان به آخرت را برای سعادت بشر امری حتمی و لازم شمرده است (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۲: ۵۱۴).

بنابراین عقیده به معاد یکی از اصول دین اسلام محسوب می‌شود. مؤلفه‌های اساسی آخرت‌شناسی اسلام عبارت است از: حیات انسان در فاصله بین مرگ تا قیامت، رستاخیز عمومی، معاد جسمانی و روحانی، داوری نهایی، و بهشت و جهنم به عنوان پاداش و کیفر. آدمی پس از مرگ به عالم برزخ وارد می‌شود، و سرانجام به سرای آخرت قدم گذاشته و به پاداش و کیفر اعمال خود می‌رسد. بر این اساس برای انسان سه گونه حیات مقدر شده است: حیات دنیوی، حیات برزخی و حیات اخروی (دیوانی، ۱۳۷۶: ۲۱۹).

مسیحیت نیز به بقای روح و زندگی پس از مرگ معتقد است. عالم برزخ، رستاخیز عمومی و داوری نهایی، جاودانگی نفس و مغایرت آن با بدن جسمانی و کیفیت حشر و نشر، و همچنین پاداش بهشت برای نیکوکاران و عذاب دوزخ برای گناهکاران، مؤلفه‌های اصلی آخرت‌شناسی مسیحیت را تشکیل می‌دهد. بنابراین توصیف مسیحیت از زندگی پس از مرگ اساساً با تبیین اسلام تفاوت ندارد؛ اما جزئیات این مسئله یکسان نیست.

در آیات متعددی از کتاب عهد جدید، اعتقاد مسیحیان به معاد و زندگی پس از مرگ به وضوح دیده می‌شود؛ به طوری که در تعالیم اساسی کتاب مقدس و به تصریح پولس و دیگر رسولان جزء اصول اعتقادی مسیحیت محسوب می‌شود. (انجیل متی، ۲۲: ۳۲-۲۵، ص ۵۲؛ انجیل مرقس، ۹: ۴۳-۴۹، ص ۹۵؛ انجیل یوحنا، ۵: ۲۰-۲۷، ص ۱۹۹؛ اول قرنتیان، ۱۵: ۲۳-۱۳، صص ۳۶۴ و ۳۶۵).

مسیحیان به دو نوع داوری معتقدند: یکی داوری خاص که بلافاصله پس از مرگ جسمانی در مورد فرد خاص انجام می‌گیرد، و دیگری داوری عام و نهایی است که در پایان جهان واقع می‌شود و درباره همه‌ی انسان‌ها صورت می‌گیرد. در روز داوری عام همه ارواح با بدن‌های خود متحد شده، در برابر خداوند برای ارزیابی اعمالی که در طول زندگی دنیوی انجام داده‌اند حاضر می‌شوند. کسانی که اعمال‌شان بر طبق تعالیم عیسی بوده، به بهشت می‌روند و افراد عاصی و گناهکار به دوزخ فرستاده می‌شوند. دوزخ مکان کیفر ابدی و جایگاه جدایی دائمی از خداوند است؛

در حالی که بهشت مکان یا وضع و حالت سعادت آمیز از طریق قرب و نزدیکی به اوست(انجیل متی، ۲۵: ۳۱-۳۳ و ۴۶، ص ۹۲۶؛ انجیل یوحنا، ۵: ۲۹-۲۷؛ دوم تسالونیکیان، ۱: ۸-۷).
مرگ انسان در راه عشق به خدا و همنوعان، گناهان او را می‌شوید و بی‌درنگ به وارد بهشت می‌شود، و روح انسان عصیانگر و گناهکار سریعاً به دوزخ فرستاده می‌شود. آن ارواحی که گرچه به گناه آلوده شده‌اند، اما خالصانه توبه و اظهار ندامت کرده‌اند، در ابتدا برای پاک شدن به برزخ و سپس به بهشت فرستاده می‌شوند. برزخ در مسیحیت زیستگاه ارواح کسانی است که به گناه آلوده بوده‌اند؛ اما با توبه مرده‌اند و برای تطهیر در آنجا نگاه داشته می‌شوند تا شایستگی قرب خداوند را بیابند(انجیل لوقا، ۱۶: ۱۹ - ۳۱ و ۲۳: ۴۳؛ مکاشفه یوحنا، ۱۴: ۱۳).

قبر و عالم برزخ

برزخ به معنای فاصله، حائل، فاصله و مانع است. فاصله مرگ تا قیامت را عالم برزخ یا عالم قبر گویند(سبحانی تبریزی، ۱۳۷۳: ۱۹۳)؛ چنانکه قرآن کریم فرموده است:

﴿وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾ (مؤمنون/۱۰۰)

در این عالم فرشتگان الهی در مورد توحید، نبوت و یک رشته عقاید دینی از انسان سؤال می‌کنند. نوع پاسخ‌هایی که به این سؤال‌ها داده می‌شود، به چگونگی ایمان و اعتقاد انسان بستگی دارد. این مرحله که «سؤال در قبر» نام دارد از عقاید مسلم شیعه است(صدوق، ۱۳۶۱، باب ۱۷: ۳۸).

بر اساس آیات قرآن کریم انسان بلافاصله پس از مرگ، وارد عالم قیامت نمی‌شود؛ زیرا قیامت کبری مقارن با یک سلسله دگرگونی‌های کلی در جهان طبیعت است، بلکه آنان پس از مرگ، وارد مرحله‌ای دیگر از حیات به نام عالم برزخ می‌شوند و در آنجا از نتیجه افکار صحیح و اخلاق و اعمال زیبایشان لذت می‌برند و از اندیشه‌های نادرست و اعمال زشت‌شان رنج می‌برند. تا اینکه روز قیامت فرا رسد؛ برخی از این آیات به جریان گفت‌وگو میان انسان‌های نیکوکار و یا انسان‌های بدکار با فرشتگان الهی بعد از مرگ اشاره دارد(نساء/۹۷؛ مؤمنون/۱۰۰)، که فرشتگان پس از آن گفت‌وگو، به نیکوکاران بشارت برخورداری از نعمت‌های الهی را می‌دهند(نحل/۳۲)؛

یس (۲۶)؛ و از رنج و عذاب گناهکاران در فاصله مرگ و قیامت خبر می‌دهند (آل عمران/۱۷۰-۱۶۹؛ مؤمن/۶-۴۵؛ نوح/۲۵).

مسیحیان معتقدند که ارواح آدمیان پس از مرگ بدن جسمانی، باقی می‌مانند و برای داوری اولیّه و خاصّ، در محکمه‌ی عدل الهی حاضر می‌شوند. در این مرحله، نیکان و پاکان به بهشت می‌روند و گناهکاران که در طول زندگانی خود از اوامر خدا نافرمانی کرده‌اند، به دوزخ فرستاده می‌شوند؛ اما گناهکارانی که توبه و اظهار پشیمانی کرده‌اند، به برزخ فرستاده می‌شوند تا گناهانشان شسته شود (اول قرنیتان، ۳: ۱۵-۱۳؛ انجیل متی، ۱۲: ۳۲-۳۱).

فقرات متعددی از کتاب مقدس گویای آن است که انسان بین مرگ و رستاخیز عظیم، به حیات خود ادامه می‌دهد، و صالحان در لذت و نعمت، و بدکاران در عذاب‌اند. مسیحیان زیستگاه فاصله بین مرگ گناهکار تا روز رستاخیز را برزخ می‌گویند. نفوس افراد عاصی توبه‌کار و بدون جبران تقصیرات که با فیض و محبت خدا از دنیا رفته‌اند، در برزخ نگه داشته می‌شوند. درد و رنج جسمانی و محرومیت موقت از رؤیت خدا، گناهان آن‌ها را می‌شوید تا برای ورود به بهشت و قرب حق مهیا شوند (انجیل لوقا، ۱۶: ۱۹ - ۳۱ و ۲۳: ۴۳؛ دوم قرنیتان، ۵: ۸، ۱۱۲۷).

قیامت کبری و رستاخیز عمومی

رستاخیز عمومی و به تعبیر قرآن «قیامت» مرحله دوم حیات پس از مرگ است. قیامت کبری برخلاف عالم برزخ که مربوط به فرد است و هر فردی بلافاصله پس از مرگ وارد آن می‌گردد، مربوط به همه انسان‌ها و به طور کلی مربوط به کل جهان است و کل جهان وارد مرحله جدید می‌گردد (مطهری، ۱۳۷۴: ۵۱۹/ شریعتی سبزواری، ۱۳۸۰: ۱۴۷).

بر اساس آیات قرآن کریم قیامت و رستاخیز عمومی مقارن با خاموش شدن ستارگان، بی‌فروغ شدن خورشید، خشک شدن دریاها، هموارشدن ناهمواری‌ها، متلاشی شدن کوه‌ها و پیدایش لرزش‌ها و غرش‌های عالم‌گیر و دگرگونی‌های عظیم است (سوره‌های تکویر، انفطار، انشقاق، زلزله، قارعه). مطابق آنچه از قرآن کریم استفاده می‌شود، تمامی عالم منهدم و نابود و بار دیگر نوسازی شده و برای همیشه باقی می‌ماند. مردگان از قبرهایشان بیرون آمده برای داوری نهایی

احضار می‌شوند و نامه‌های اعمال‌شان به دست‌شان داده شده، و بر اساس آن به حساب اعمال ایشان رسیدگی می‌شود(انشقاق/۷-۱۱).

در عهد جدید از قیامت با نام روز داوری یاد می‌شود، اما در قرآن کریم برای این روز نام‌های متعددی ذکر گردیده که هر یک به یکی از ابعاد قیامت اشاره نموده و هدف خاصی را دنبال می‌کنند. معروف‌تر از همه اسماء، کلمه قیامت است. برخی اسماء دیگر که برای قیامت، در قرآن ذکر شده‌اند عبارت است از: یوم‌الجمع(تغابن/۹)، یوم‌التغابن(تغابن/۹)، یوم‌الخروج(ق/۴۲)، یوم‌الوعید(ق/۲۰)، یوم‌الازفه(غافر/۱۸)، یوم‌الحساب(ص/۲۶)، یوم‌الحسرة(جوادی املی، ۱۳۷۵: ۱۶۹).

همان‌طور که در آیین مسیحیت هم آمده است، زمان برپایی قیامت یکی از مسائل ناشناخته و پوشیده‌ای است که کسی جز ذات احدیت، از آن آگاه نیست:

﴿يَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجِيبُهَا لَوْ قَتَلْتُهَا﴾ (اعراف/۱۸۷)

«از تو درباره قیامت سؤال می‌کنند که وقوع آن در چه زمانی است بگو علمش نزد

پروردگار من است و هیچ کس جز او نمی‌تواند وقت و زمان آن را آشکار سازد».

پس از زنده‌شدن مردگان و ورود آن‌ها به عرصه قیامت، حوادث مهمی چون حساب و میزان و گذر از پل صراط و نفخ صور و حشر تمامی موجودات جهان طبیعت رخ خواهد داد، که در قرآن کریم و احادیث اسلامی به تفصیل بیان شده است.

بر اساس روایات اسلامی در قیامت گذرگاهی به نام پل صراط وجود دارد که از بالای دوزخ می‌گذرد، و هر کس از آن بگذرد وارد بهشت خواهد شد، و هر کس پایش بلغزد به دوزخ فرو خواهد افتاد(سبحانی تبریزی، ۱۳۷۳: ۶-۲۴۵؛ شعرانی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۹-۹۱۸؛ طباطبایی، ۱۹۷۴، ج ۱۴: ۹۱-۸۹؛ مریم/۷۱ و ۷۲).

یکی از نشانه‌های پیدایش رستاخیز، دو بار دمیدن در صور یا شیبور است که در نفخ اول، هر که در آسمان و زمین است جز آنکه خدا خواهد بی‌هوش می‌شود(سبحانی تبریزی، ۱۳۷۳: ۲۳۵؛ دیوانی، ۱۳۷۶: ۲۸۳؛ زمر/۶۸)؛ و در نفخ دوم، همه آدمیان بر می‌خیزند و برای سنجش اعمال‌شان آماده می‌شوند(ملاصدرا، ۱۳۶۱، ج ۵: ۱۵۹ و ۱۶۲؛ شعرانی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۱۱۱۶؛ طباطبایی،

۱۹۷۴، ج ۱۸: ۹۸؛ ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۶۶۰-۶۵۸ و ۶۳۲؛ دیوانی، ۱۳۷۶: ۲۸۳؛ یس/۵۱؛ نبأ/۱۸؛ کهف/۹۹؛ مؤمنون/۱۰۱).

بر اساس آیات قرآن کریم انسان‌ها و همه موجودات جهان هستی اعم از جماد و نبات و حیوان باید به هدف غایی نایل آیند و نزد او محشور گردند.

رستاخیز عمومی یا روز داوری (مکاشفه یوحنا، ۲۰: ۱۲) و حیات دوباره مردگان در فقرات متعدد از «عهد جدید» مورد تأکید قرار گرفته (انجیل متی، ۲۵: ۳۴-۴۶؛ انجیل لوقا، ۱۶: ۲۱)، و حتی نقل شده است که برخی صدوقیان منکر قیامت نزد عیسی (ع) آمده و یک معمای فقهی را برای او طرح کردند تا اعتقاد به آخرت را باطل سازند؛ ولی عیسی با استناد به «تورات» مسئله را جواب داده و رستاخیز مردگان را اثبات کرد (انجیل مرقس، ۱۲: ۲۴-۲۷).

در «انجیل یوحنا» می‌خوانیم که مسیح به مرثا می‌فرماید: «مرثا برادرت حتماً از مرگ زنده خواهد شد. مرثا پاسخ می‌دهد: می‌دانم که برادرم در روز قیامت مانند دیگران زنده خواهد شد»، (انجیل یوحنا، ۱۱: ۲۴، ص ۲۱۸). عیسی فرمود: «تترسید از کسانی که می‌توانند فقط بدن شما را بکشند ولی نمی‌توانند به روحتان صدمه‌ای بزنند. از خدا بترسید که قادر است هم بدن و هم روح شما را در جهنم هلاک کند» (انجیل متی، ۱۰: ۲۸؛ سبحانی تبریزی، ۱۳۷۳، ص ۴۰).

کیفیت معاد

بنا بر هر دو آیین اسلام و مسیحیت در روز قیامت همه انسان‌ها برانگیخته و دوباره زنده می‌شوند؛ اما این سؤال پیش آمده است که آیا این معاد روحانی است یا جسمانی؟ از ظاهر قرآن و انجیل بر می‌آید که معاد، تنها روحانی نیست بلکه جسمانی نیز هست؛ با این تفاوت که آیات قرآنی صراحت بیشتری در معاد جسمانی داشته و بسیار متعددند.

۱. کیفیت معاد از منظر قرآن

قرآن کریم گاهی با طرح داستان‌هایی همچون خواب اصحاب کهف، و داستان عزیز (بقره/۲۵۹) و مرغان حضرت ابراهیم (بقره/۲۶۰) یا آمدن عاص بن وائل به نزد پیامبر (ص) و به دست گرفتن استخوان پوسیده و سؤال از چگونگی بازگشت حیات به آن (یس/۷۹)، بر جسمانی

بودن معاد تأکید کرده است (طباطبایی، ۱۹۷۴، ج ۷، صص ۱۱۱-۱۱۳؛ ملاصدرا، ۱۳۶۱، ج ۵، صص ۶-۳۵۵ و ۴۰۰-۳۹۹؛ یس/ ۸۳-۷۷)؛ علاوه بر این‌ها در آیات دیگر برانگیخته شدن از قبرها (یس/ ۹۱؛ عادیات/ ۹) و زنده شدن استخوان‌ها (قیامت/ ۳ و ۴) را مطرح ساخته است (طباطبایی، ۱۹۷۴، ج ۲۰: ۵۱).

به مقتضای آیات قرآنی معاد هم جسمانی است و هم روحانی (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۳: ۳-۱۴۱). پاداش‌ها و کیفرهای اخروی دو گونه است؛ برخی از پاداش‌ها و کیفرها، عقلانی و روحانی است که درک آن‌ها نیازی به بدن و قوای جسمانی ندارد؛ مانند حسرت جانکاه برای تبهکاران، و رضوان الهی برای پرهیزگاران و مقربان (طباطبایی، ۱۹۷۴، ج ۹: ۳۳۹؛ بقره/ ۱۶۷؛ توبه/ ۷۲؛ مریم/ ۳۹)؛ و نوع دیگر پاداش‌ها و کیفرها، جسمانی و محسوس است، و درک آن‌ها به بدن و قوای بدنی نیاز دارد. تحقق اینگونه پاداش‌ها و کیفرها بدون حشر بدن‌های مردگان امکان‌پذیر نیست (مرسلات/ ۴۲؛ مؤمنون/ ۱۹؛ صافات/ ۴۲؛ دخان/ ۵۵).

کیفیت معاد از منظر کتاب عهد جدید

معاد در مجموع کتاب‌های «عهد جدید» در چند معنای متفاوت به کار رفته است. در «عهد جدید» هم شواهدی بر معاد روحانی وجود دارد و هم شواهدی بر معاد جسمانی؛ منتهی در برخی از آموزه‌های عهد جدید که از آن‌ها معاد جسمانی برداشت می‌شود، بدن اخروی عین بدن دنیوی و مادی نیست؛ بلکه لطیف و آسمانی و ملکوتی و جاودانی است. بعضی از فقرات «عهد جدید» که از معاد روحانی حکایت دارند از این قرارند:

«اگر انسان صالح و نیکوکار باشد، ملائکه روح او را به آسمان می‌برند و اگر فاسد باشد روح او به جهنم رفته و در آنجا در عذاب می‌ماند» (انجیل لوقا، ۱۶: ۲۳-۲۲، ص ۹۸۹).

«در روز قیامت که مردگان از قبرها برخیزند نه نکاح می‌کنند و نه نکاح کرده می‌شوند، بلکه مثل فرشتگان آسمان خواهند بود» (انجیل متی، ۲۲: ۳۰، ص ۹۲۲؛ انجیل مرقس، ۱۲: ۲۵-۱۹).

برخی از فقرات عهد جدید که از آن‌ها معاد جسمانی برداشت شده است، از این قرارند:

«ترسید از کسانی که می‌توانند فقط بدن شما را بکشند ولی نمی‌توانند به روحتان صدمه‌ای بزنند. از خدا بترسید که قادر است هم بدن و هم روح شما را در جهنم هلاک کند» (انجیل متی، ۱۰: ۲۸؛ انجیل لوقا، ۱۲: ۴-۵).

پولس در نامه اول خود به مسیحیان قرنتس، رابطه بدن اخروی و دنیوی را به خروج گیاه از بذرش تشبیه می‌کند:

«اگر کسی گوید: چگونه مردگان زنده خواهند شد؟ به هنگام زنده شدن، چه نوع بدنی خواهند داشت؟ ... چیزی که شما می‌کارید دانه کوچکی است، ... اما خدا به آن دانه بدنی تازه و زیبا می‌دهد، ... این بدن خاکی و زمین ما که محکوم به مرگ و نابودی است، با بدنی که بعد از زنده‌شدن خواهیم داشت تفاوت دارد، زیرا آن بدن هرگز نخواهد مرد... به هنگام مرگ بدن نفسانی دفن می‌شود، اما در روز قیامت، بدن روحانی و آسمانی برخواهد خواست» (اول قرنتیان، ۱۵: ۴۶-۳۵ و ۵۲؛ فخر الاسلام، ۱۳۶۱: ۱۲۰)

«اگر میل کنی به جانب زن به چشم راست خود بکن چشم خود را و بینداز آن چشم را از خود؛ به درستی که بهتر است برای تو هلاک شدن یکی از اعضای تو از اینکه برود بدن تو تمام در جهنم. و اگر دست راست باعث می‌شود گناه کنی، آن را ببر و دور بینداز، بهتر است یک دست داشته باشی تا اینکه با دو دست به جهنم بروی» (انجیل متی، ۵: ۳۰-۲۹؛ انجیل مرقس، ۹: ۴۸-۴۳، ص ۹۴۷).

«اگر روح خدایی که عیسی مسیح را پس از مرگ زنده کرد در وجود شما باشد، همان خدا بدن‌های فانی شما را پس از مرگ به وسیله همین روح که در وجود شماست، زنده خواهد کرد» (رومیان، ۶: ۱۱، ص ۱۰۸۷).

در «انجیل یوحنا» می‌خوانیم:

«آن ساعت می‌آید که همه آنان که در قبرها هستند آواز او را بشنوند و بیرون خواهند آمد، آن‌هایی که نیکویی کرده باشند از برای قیامت حیات، و آن کسانی که بد کرده باشند برای قیامت جزا» (انجیل یوحنا، ۵: ۲۹ و ۲۸، ص ۱۹۹).

این جمله با توجه به ذکر قبور که جایگاه جسم انسان است، اشاره به حشر ارواح آدمیان به همراه بدن است.

«او به هنگام بازگشت خود، این بدن‌های فانی ما را دگرگون خواهد ساخت و به شکل بدن پر جلال خود در خواهد آورد» (فیلیپیان، ۳: ۲۱، ص ۱۱۵۶).

قیام از بین مردگان در رستاخیز

بر اساس تعالیم کتاب مقدس مسیحیان، طبیعت انسان مرکب از یک عنصر مادی به نام بدن، و یک عنصر غیر مادی به نام جان یا روح است؛ چنانکه مثلاً «انجیل لوقا» حکایت می‌کند که جان مرد ثروتمند بی‌رحم، در رنج و عذابی سخت در جهنم بود (انجیل لوقا، ۱۶: ۲۳ و ۲۴، ص ۱۶۴)؛ و کتاب مقدس در مکاشفه ۶ و ۷ می‌گوید که جان آنانی که در راه عیسی مسیح (ع) می‌میرند؛ در مقابل تخت خدا حاضرند و او را در معبدش شب و روز خدمت می‌کنند. بنابراین در حالی که جسم در قبر می‌آرامد، جان از آنچه در بهشت یا جهنم اتفاق می‌افتد آگاه است (مکاشفه یوحنا، ۶: ۹-۱۱، ص ۵۰۹/ همان، ۷: ۱۳-۱۷، ص ۵۱۱).

در کتاب مقدس آمده است که در رستاخیز عیسی مسیح (ع) قیام همه مردگان رخ خواهد داد، که هم قیام مؤمنان به عیسی (ع)، و هم قیام افراد بی‌ایمان را توصیف می‌کند (انجیل یوحنا، ۵: ۲۸-۲۹، ص ۱۹۹؛ مکاشفه یوحنا، ۲۰: ۱۱-۱۵، ص ۵۲۱).

در «انجیل یوحنا» می‌خوانیم:

«از این گفته من تعجب نکنید چون وقت آن رسیده است که تمام مرده‌ها در قبر صدای مرا بشنوند و از قبر بیرون بیایند تا کسانی که خوبی کرده‌اند، به زندگی جاوید برسند و کسانی که بدی کرده‌اند محکوم گردند» (انجیل یوحنا، ۵: ۲۸-۲۹، ص ۱۹۹).

قضاوت و داوری نهایی

در قرآن روز قیامت بارها «روز حساب» خوانده شده است (ص/۵۳؛ مؤمن/۲۷؛ ص/۱۶ و ۲۶؛ ابراهیم/۴۱). همچنین در آیات متعددی از قرآن، که سخن از قیامت است، از این واژه با تعبیرات

دیگری که حاکی از حسابرسی یا نتیجه آن است استفاده شده است؛ برای نمونه کلمه «جزاء» یا «میزان» در آیات زیادی به کار رفته‌اند (دیوانی، ۱۳۷۶: ۳۱۶-۳۰۴؛ القارعه/۹-۶؛ الرحمن/۹؛ انبیاء/۴۷). به تعبیر قرآن، دنیا دار تکلیف است و آخرت دار جزاست (مطهری، ۱۳۷۷: ۲۰۹؛ زخرف/۷۱). حساب و میزان به معنای رسیدگی به حساب اعمال و داوری و سنجش آن‌هاست (اسراء/ ۱۳ و ۱۴). عدالت خداوند اقتضا می‌کند کسانی که در دنیا اعمال نیکویی انجام داده‌اند، در سرای دیگر نتیجه اعمال خود را ببینند (طباطبایی، ۱۹۷۴، ج ۷: ۳۹۰؛ انعام/۱۶۰).

گذشته از اینکه در نامه اعمال هرکس، ریز و درشت کارهای وی مذکور است، گواهیانی چون خدا (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۳: ۸-۲۳۷؛ آل عمران/۹۸؛ بقره/۲۰۱)، پیامبران و فرشتگان بر اعمال آدمیان شهادت می‌دهند (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۳: ۸-۲۳۷؛ دیوانی، ۱۳۷۶: ۳۱۹-۳۱۶؛ ق/۲۱؛ مطففین/۲۱-۱۸؛ نحل/۸۹؛ نساء/۴۱)، و از دیگر گواهان روز قیامت، اعضاء و جوارح انسان خواهد بود (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۳: ۲۴۰؛ تفسیر نور، ج ۲: ۳۳۴؛ طباطبایی، ۱۹۷۴، ج ۱۵: ۵-۹۴؛ نور/۲۴؛ فصلت/۲۰ و ۲۱؛ یس/۶۵) و تجسم اعمال کامل‌ترین و دقیق‌ترین نوع حساب و سنجش اعمال بشر در قیامت است (مطهری، ۱۳۷۷: ۱-۲۱۰؛ طباطبایی، ۱۹۷۴، ج ۹: ۲۵۲؛ کهف/۴۹؛ توبه/۳۴ و ۳۵)؛ به طوری که بدی و زشتی عمل آدمیان، در صحنه قیامت، پیش چشمانشان آشکار می‌شود (طباطبایی، ۱۹۷۴، ج ۱۸: ۱۷۹ و ۱۸۰؛ سبحانی تبریزی، ۱۳۷۳: ۲۴۳؛ جاثیه/۳۳). به تعبیر کتاب مقدس نیز قیامت، روز داوری و حسابرسی اعمال مردم است. پس در هر دو دین، هدف از قیامت تحقق عدالت خداوند و داوری و حسابرسی اعمال است، با این تفاوت که عهد جدید این وظیفه را بر عهده عیسی (ع) قرار می‌دهد (انجیل متی، ۲۵: ۳۳-۳۱).

به نظر عالمان مسیحی، بعد از مرگ انسان، دو داوری وجود دارد؛ داوری خاص و داوری نهایی و عام. داوری خاص بلافاصله بعد از مرگ هر انسان انجام می‌گیرد؛ اما داوری نهایی و عام بعد از رستاخیز بدن‌ها در روز قیامت تحقق می‌یابد. در این داوری نیکان و بدان از هم جدا می‌شوند. پاداش نیکوکاران، بهشت ابدی و قرب الهی خواهد بود، و کیفر بدکاران دوزخ است که تا ابد در آن معذب‌اند و فقرات متعدد از کتاب مقدس بر آن دلالت دارد؛ به عنوان نمونه در انجیل متی آمده است:

«پس اصحاب طرف چپ را گوید ای ملعونان از من دور شوید در آتش جاودانی که برای ابلیس و فرشتگان او مهیا شده است، و ایشان در عذاب جاودانی خواهند رفت. اما عادلان در حیات جاودانی» (انجیل متی، ۲۶: ۴۱-۴۶).

عیسی (ع) می گوید:

«هنگامی که من، مسیح موعود، با شکوه و جلال خود و همراه با تمام فرشتگانم بیایم، آنگاه بر تخت با شکوه خود خواهم نشست؛ سپس تمام قوم‌های روی زمین در مقابل من خواهند ایستاد و من ایشان را از هم جدا خواهم کرد. آنگاه به کسانی که در طرف راست من هستند، خواهم گفت: بیایید ای عزیزان پدر، بیایید تا شما را در برکات ملکوت خدا سهیم گردانم؛ برکاتی که از آغاز آفرینش دنیا برای شما آماده شده بود. سپس به کسانی که در طرف چپ من قرار دارند خواهم گفت: ای لعنت‌شده‌ها، از اینجا بروید و به آتش ابدی داخل شوید آتشی که برای شیطان و ارواح شیطانی آماده شده است. این اشخاص به کیفر ابدی می‌رسند؛ ولی نیکوکاران به زندگی جاوید خواهند پیوست» (انجیل متی، ۲۵: ۳۱-۴۶، صص ۶۱ و ۶۰).

در «انجیل متی» آمده است که فرشتگان، افراد شرور را از عادلان جدا خواهند کرد و افراد شرور را در آتش خواهند انداخت؛ یعنی جایی که گریه و فشار دندان‌ها خواهد بود» (انجیل متی، ۱۳: ۴۹-۵۰، ص ۳۱).

در «مکاشفه یوحنا» آمده است: «مرده‌ها را دیدم که از بزرگ و کوچک در برابر خدا ایستاده‌اند. دفترها یکی پس از دیگری گشوده شد تا به دفتر حیات رسید. مردگان همگی بر طبق نوشته‌های این دفترها محاکمه شدند. هر که نامش در دفتر حیات نبود، به دریاچه آتش افکنده شد» (مکاشفه یوحنا، ۲۰: ۱۱-۱۵، ص ۵۲۹).

در روز داوری نهایی، مسیحیان واقعی وارث ملکوت خدا و نعمت‌های بهشتی خواهند بود (انجیل یوحنا، ۵: ۲۴، ص ۱۹۹)؛ و افراد نافرمان و گناهکار راهی جهنم ابدی خواهند شد. چنانکه در «انجیل متی» می‌خوانیم که جهنم به معنای جدایی از محضر خداوند، و پیوستن به شیطان و پیروانش، و زجر کشیدن در آتش ابدی است (انجیل متی، ۲۵: ۴۱ و ۴۶، ص ۶۱). هر

کس به برادر خود احمق بگویند، مستحق آتش دوزخ خواهد بود (انجیل متی، ۵: ۲۲، ص ۹). اصحاب شمال به عذاب ابدی خواهند رسید؛ ولی عادلان به زندگی ابدی داخل خواهند شد (انجیل متی، ۲۵: ۴۶، ص ۶۱).

در رابطه با عذاب و عقاب بدکاران و آتش خاموش نشدنی جهنم در «انجیل مرقس» و «انجیل لوقا» نیز سخن به میان آمده است (انجیل مرقس، ۹: ۴۸-۴۳، ص ۹۵؛ انجیل لوقا، ۱۶: ۲۶-۲۲، ص ۱۶۴).

بهشت و دوزخ

در قرآن پس از حسابرسی، انسان‌ها به دو دسته اصحاب جنت و اصحاب نار تقسیم می‌شوند. آیات متعددی از قرآن بر این مطلب دلالت دارد (حشر/۲۰). بر اساس برخی از آیات قرآن کریم، پاداش و کیفر اخروی محصول و تجسم اعمال دنیوی انسان است (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۳۲۰؛ آل عمران/۳۰؛ کهف/۴۹؛ زلزله/۸-۶؛ نجم/۳۱؛ زخرف/۷۲؛ توبه/۳۵ و ۳۴). کسانی که ایمان آورده و در حد توان و وسع خود، اعمال صالح انجام دهند، برای همیشه در بهشت خواهند بود (اعراف/۴۲)؛ ولی کسانی که کفر ورزند (بقره/۳۹) یا برای خدا شریک قائل شوند (مائده/۷۲) یا گناه همه وجودشان را فرا گیرد (بقره/۸۱) یا نسبت به خدا استکبار ورزند (اعراف/۳۶) و...، در آتش مخلد خواهند بود.

بهشت و دوزخ به گونه‌ای بسیار زنده در قرآن توصیف می‌شوند. بهشت همچون گلستانی سرشار از شادی؛ اما دوزخ مانند ورطه‌ای از رنج و آلام وحشتناک بی پایان تصویر می‌شود. از هفت آسمان در قرآن نام برده شده که نشانگر مراتب هفتگانه سعادت آسمانی هستند؛ همین طور به هفت دوزخ نیز اشاره می‌شود (حیات جاودانه: ۳۴۱؛ حجر/۴۴). دوزخ مکان رنج و عذاب‌های هول‌انگیز تصویر می‌شود. زمانی که پس از داوری نهایی خداوند، شخص به بهشت یا دوزخ می‌رود، باید از روی پلی به نام صراط عبور کند. برای کسانی که مستوجب آتش دوزخ‌اند، عبور از آن پل همچون عبور از روی لبه تیز شمشیر می‌شود و چون نمی‌توانند از روی آن عبور کنند، به ورطه دوزخ سقوط می‌کنند.

پل صراط برای کسانی که باید از لذات و نعمات بهشتی بهره‌مند شوند، به اندازه کافی عریض می‌شود و از این رو به آسانی از روی آن عبور کرده، به سمت بهشت می‌روند. بنابراین بهشت و دوزخ در اسلام به ترتیب، جای لذات جاودانه یا رنج و عذاب ابدی برای کسانی است که اعمال نیک یا بد انجام داده‌اند.

بر اساس کتاب «عهد جدید» پس از داوری نهایی، ابرار از اشرار جدا می‌شوند؛ ابرار از بهشت و سعادت ابدی برخوردار خواهند شد و اشرار در دوزخ یا آتش برای همیشه معذب خواهند بود. فقرات متعددی از عهد جدید بر این امر دلالت دارد. برای نمونه در انجیل متی آمده است:

«پس اصحاب طرف چپ را گوید ای ملعونان از من دور شوید در آتش جاودانی که برای ابلیس و فرشتگان او مهیا شده است... و ایشان در عذاب جاودانی خواهند رفت؛ اما عادلان در حیات جاودانی» (انجیل متی، ۲۶: ۴۱-۴۶).

در «عهد جدید» به طور مکرر از دوزخ نام برده شده؛ ولی از بهشت و نعمت‌هایش کم‌تر سخن به میان آمده و از آن بیش‌تر با تعبیر حیات جاودان نام برده شده است (انجیل متی، ۱۹: ۲۹، ص ۹۱۷؛ انجیل لوقا، ۱۸: ۳۰-۲۹، ص ۹۹۲؛ انجیل یوحنا، ۴: ۱۴، ص ۱۰۰۹ و ۶: ۶۸، ص ۱۰۱۵؛ سبحانی تبریزی، ۱۳۷۳: ۴۲). بنابراین می‌توان گفت که مطابق «عهد جدید» پاداش نیکوکاران، حیات ابدی است (انجیل متی، ۲۵: ۴۶، ص ۹۲۷).

در آیین اسلام نیز لذت‌ها به دو بخش جسمانی و روحانی تقسیم می‌شوند؛ که لذا یذ جسمانی همان برخورداری از نعمت‌های متنوع در بهشت، و لذت حضور در قرب الهی است (واقعه/۲۳-۱۹؛ محمد/۱۵؛ عبس/۳۸؛ قیامت/۲۳-۲۲).

نتیجه بحث

در همه کتب و ادیان آسمانی با اندکی اختلاف، اعتقاد به عالم آخرت و معاد جسمانی و روحانی وجود دارد؛ و آموزه‌های قرآنی و کتاب «عهد جدید» در مورد بحث معاد و بیان جزئیات زندگی پس از مرگ، شباهت‌های فراوانی دارند؛ ولی قرآن بیش از کتاب «عهد جدید» به این موضوع پرداخته و بخش عظیمی از آیات این کتاب به آن اختصاص یافته است.

با تأمل در قرآن کریم استنباط می‌شود که معاد انسان‌ها روحانی - جسمانی است و نفوس ناطقه آدمیان در روز قیامت به همراه بدن محشور خواهد شد. در «عهد جدید» نیز زنده شدن مردگان و معاد جسمانی در کنار معاد روحانی مطرح شده است. مسیحیان هم معاد جسمانی و هم معاد روحانی را قبول دارند، و می‌گویند در روز داوری همه ارواح با جسم‌های خود متحد می‌شوند و در برابر خداوند برای ارزیابی اعمال خود حاضر می‌شوند. کسانی که اعمال‌شان طبق تعالیم عیسی بوده به بهشت، و کسانی که بی‌تقوا و گناهکار بوده‌اند به دوزخ فرستاده می‌شوند.

معاد در مجموع کتاب‌های «عهد جدید» در چند معنای متفاوت به کار رفته است. در عهد جدید هم شواهدی بر معاد روحانی وجود دارد و هم شواهدی بر معاد جسمانی؛ منتهی در برخی از آموزه‌های عهد جدید که از آن‌ها معاد جسمانی برداشت می‌شود، بدن اخروی عین بدن دنیوی و مادی نیست؛ بلکه لطیف و آسمانی و ملکوتی و جاودانی است.

معاد در اسلام مفهومی فراگیر دارد؛ هر ذره‌ای از جسم، روح و فکر آدمی، در مسئولیت کارها سهیم و عواقب آن را پذیرا است. جسم، عقل و روح، همه ثواب و عقاب می‌بینند. کیفر و پاداش هر کار در خود آن کار نهفته است و خیر و شر هر دو در آنجا تبلور می‌یابند. مفهوم معاد از برداشتی ساده و بسیط در مسیحیت، به برداشتی وسیع و فراگیر در اسلام تحول یافته است.

کتابنامه

قرآن کریم.

- انجیل لوقا.** ۱۳۷۵ هـ.ش. پیوست کتاب مقدس. عهد عتیق و عهد جدید. ترجمه فاضل خان همدانی. ویلیام گلن و هنری مرتن. تهران: انتشارات اساطیر.
- انجیل متی.** ۱۳۷۵ هـ.ش. پیوست کتاب مقدس. عهد عتیق و عهد جدید. ترجمه فاضل خان همدانی. ویلیام گلن و هنری مرتن. تهران: انتشارات اساطیر.
- انجیل مرقس.** ۱۳۷۵ هـ.ش. پیوست کتاب مقدس. عهد عتیق و عهد جدید. ترجمه فاضل خان همدانی. ویلیام گلن و هنری مرتن. تهران: انتشارات اساطیر.
- انجیل یوحنا.** ۱۳۷۵ هـ.ش. پیوست کتاب مقدس. عهد عتیق و عهد جدید. ترجمه فاضل خان همدانی. ویلیام گلن و هنری مرتن. تهران: انتشارات اساطیر.
- مکاشفه یوحنا.** ۱۳۷۵ هـ.ش. پیوست کتاب مقدس. عهد عتیق و عهد جدید. ترجمه فاضل خان همدانی. ویلیام گلن و هنری مرتن. تهران: انتشارات اساطیر.
- نامه‌های رسولان مسیح.** ۱۳۷۵ هـ.ش. پیوست کتاب مقدس. عهد عتیق و عهد جدید. ترجمه فاضل خان همدانی. ویلیام گلن و هنری مرتن. تهران: انتشارات اساطیر.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۲ هـ.ش. **ده مقاله پیرامون مبدأ و معاد.** تهران: الزهراء.
- سبحانی تبریزی، جعفر. ۱۳۷۳ هـ.ش. **معاد انسان و جهان.** قم: انتشارات مکتب اسلام.
- شعرانی، ابوالحسن. ۱۳۸۴ هـ.ش. **تفسیر نور علی نور.** تعلیقات علامه شعرانی بر روض الجنان و روح الجنان شیخ ابوالفتوح رازی. قم: دار الحدیث.
- طباطبایی، محمد حسین. ۱۹۷۴ م. **المیزان فی تفسیر المیزان.** بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- قزائنی، محسن. ۱۳۷۵ هـ.ش. **تفسیر نور.** قم: مؤسسه در راه حق.
- قربانی لاهیجی، زین‌العابدین. ۱۳۷۵ هـ.ش. **به سوی جهان ابدی.** قم: نشر سایه.
- مصباح یزدی، محمد تقی. ۱۳۷۴ هـ.ش. **آموزش عقائد.** قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۴ هـ.ش. **مجموعه آثار.** چاپ پنجم. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۷ هـ.ش. **معاد.** چاپ ششم. تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر، و دیگران. ۱۳۷۳ ش. **تفسیر نمونه.** تهران: دارالکتب الاسلامیه.

پایان نامه‌ها و مقالات

سیاوشی، کرم. ۱۳۷۷ ه.ش. «معاد جسمانی از دیدگاه قرآن و حدیث». پایان‌نامه کارشناسی ارشد با راهنمایی دکتر نهله غروی نایینی. دانشگاه تربیت مدرس.

وزیری، مجید. «ارتباط انسان‌ها در عالم آخرت از منظر قرآن کریم». مطالعات قرآنی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت. دوره ۲. شماره ۶. تابستان ۱۳۹۰. صص ۲۱۹-۲۳۰.